

کنوانسیون ۲۰۰۰ پالرمو در بوته‌ی تحلیل (راهنمای به قانون پول شویی انگلستان و سوییس)

پیمان‌نمایان - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو انجمن ایرانی حقوق جزا
سبحان طیبی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس

مقدمه

امروزه جنایاتی در زمینه‌های مالی رخ می‌دهد که حمایت‌کننده آن‌ها گروه‌های مافیایی هستند با سلسله‌مراتب و نظمی شدید و ضمانت‌اجرائی بی‌رحمانه. این گروه‌ها از طریق نفوذ در دستگاه‌های حکومتی به فساد می‌پردازند و بعد از این مرحله مانع‌ها را حذف می‌کنند و حذف فیزیکی افراد را در دست اقدام قرار می‌دهند؛ چون نهایت کار آن‌ها رسیدن به نفع مالی و مادی است. تخصص این گروه‌ها جرایم سازمان‌یافته هم چون مواد مخدر، قاچاق آثار فرهنگی و اشخاص و پول شویی و... می‌باشد. در واقع سیستم کار این گروه‌ها، تطهیر جرایم ارتكابی‌شان است. آن‌ها عوامل نامشروع کار را پنهان می‌کنند و از عواید تطهیر بهره‌مند می‌گردند. امروزه با پیشرفت ارتباطات و فن‌آوری، گروه‌ها با استفاده از رایانه‌های پیشرفته دست به سرقت‌های بسیار بزرگ در بانک‌ها می‌زنند. طبق اطلاع وزارت دادگستری امریکا سالانه ده میلیارد ریال پول از بانک‌های این کشور از طریق رایانه سرقت می‌شود و روزانه یک میلیارد دلار سرمایه نامشروع در بازارهای مالی جهان حرکت می‌کند.^(۱) با این حال بانک‌های خارجی و ملل در حال توسعه‌ی صدمه‌دیده و مجرمان به راحتی اعمال خود را انجام می‌دهند و این وجوه تطهیر شده هم به راحتی در میان معاملات و مبالغ خیلی کلان تطهیر می‌شود.^(۲) با این حال تطهیر پول واقعه‌ای جهانی است که در مبارزه با آن به عنوان

جزئی از مبارزه با جنایت سازمان‌یافته، اهداف زیر تعقیب می‌شود:
 ۱- جلوگیری از گسترش عایدات و حجم فعالیت سازمان‌های جنایی؛
 ۲- تضعیف قدرت اقتصادی ساختار به هم پیوسته سازمان با مصادره‌ی اموال به تبع احراز جنایت ارتكابی؛
 ۳- پیدا کردن ادله با تشخیص مسیری که پول مورد تطهیر طی کرده؛
 به منظور رسیدن به سطوح عالی سازمان جنایی.^(۳)

از دوه گذشته تا حال این جرم نمود بالایی در جامعه جهانی داشته؛ به همین علت سازمان‌هایی در جهت مبارزه با این جرایم شکل گرفته که یکی از آن‌ها فاتف^(۴) است که در سال ۱۹۹۰ ایجاد شد شکل گرفت. در سطح بین‌المللی و جهانی دو کنوانسیون توسط دولت‌ها تدوین گردید؛ یکی کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و دیگری کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافته مرحله‌ی که در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو (ایتالیا) به امضای ۱۴۷ دولت و به تصویب ۲۸ دولت رسیده است.^(۵) البته ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که اصطلاح «پول شویی» از دیرباز با جرایم قاچاق مواد مخدر همراه بوده، اما امروزه به آن با چشم‌رکن اصلی مبارزه با فساد، نگریسته می‌شود. گستره پول شویی همه جرایم اقتصادی منجمله جرایم مربوط به رشوه‌خواری را شامل می‌شود و هدف از جرم‌انگاری پول شویی، تضمین این امر است که جرایم اقتصادی سودآور نبوده و مرتکبان جرایم مهم اقتصادی از چنگ قانون نگریزند.^(۶)

ماهنامه شماره ۶۸، سال دوازدهم، خرداد و تیر ۱۳۸۷



نگرشی بر تطهیر پول

الف) تعریف

تعاریف مختلفی از تطهیر پول در اسناد بین المللی و توسط حقوق دانان ارائه شده که یکی از آن ها بدین شرح است. منظور از تطهیر مال مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آن ها با اموال پاک است به طوری که یافتن منبع اصلی مال غیر ممکن یا بسیار دشوار گردد.^(۹) در تطهیر پول منافع حاصل از ارتکاب جنایت وارد سیستم مالی می شود تا ریشه غیر قانونی آن گم شود و مشروع به نظر آید. در اغلب موارد تطهیر پول در کنار منافع فراوان حاصل از جنایت سازمان یافته وجود دارد؛ مثل قاچاق دارو، قاچاق تسلیحات و جرایم یقه سفیدها.^(۸) ماده یک طرح دستورالعمل^(۱۰) جوامع اروپایی، در مارس ۱۹۹۰ تطهیر پول را این گونه تعریف می کند:

تبدیل یا انتقال اموال با علم به این که چنین اموالی از جنایت شدیدی ناشی شده است به منظور اختفا یا انحراف منشأ غیر قانونی اموال یا کمک هر شخصی که به ارتکاب چنین جرم یا جرایمی مبادرت می ورزد، به منظور رهایی یافتن از آثار حقوقی اقدام وی و اختفا یا انحراف ماهیت واقعی منبع محل استقرار، انتقال، حرکت، حقوق مربوط به اموال یا مالکیت اموال یا علم به این که چنین اموالی از ارتکاب یک جنایت شدید نشأت گرفته است.^(۱۱)

در تعریف دیگری که توسط یکی از حقوق دانان به طور مختصر و مفید ارائه شده، چنین آمده است:

تطهیر پول، روندی است که بدان وسیله به منشأ هنگفت پولی که از طریق غیر قانونی تحصیل شده است (از قاچاق دارو،

فعالیت تروریستی یا دیگر جنایات جدی) ظاهری مشروع و قانونی داده شود.^(۱۱) هم چنین پول شویی یا تطهیر پول عبارت است از فرآیند تغییر شکل یا نحوه ی استفاده از عواید نامشروع جرایم اقتصادی به قصد اخفای منبع چنین عوایدی است.^(۱۲)

ب) مصادیق

همان طور که از تعاریف فوق استنباط می شود، امروزه پنج عامل اصلی (فعل و ترک فعل) در خصوص تطهیر پول وجود دارد:

- ۱- کمک به دیگری برای حفظ منافع ناشی از جرم؛
 - ۲- تحصیل، تصرف و استفاده از منافع مجرمانه؛
 - ۳- اختفا یا انتقال منابع برای اجتناب از تعقیب یا حکم صادره؛
 - ۴- عدم افشای ارتکاب جرم تطهیر پول در صورت علم به آن یا ظنن شدن به آن؛
 - ۵- اطلاع رسانی نهانی.^(۱۳)
- منظور از کمک به دیگران برای حفظ منافع جرم، این است که شخصی با همکاری دیگری و یا علم و یا سوء ظن به این که دیگری به قاچاق دارو (مخدر) یا رفتار مجرمانه دیگری اشتغال دارد یا از این طریق، منافی تحصیل کرده است، به وی

در تطهیر پول منافع حاصل از ارتکاب جنایت وارد سیستم مالی می شود تا ریشه غیر قانونی آن گم شود و مشروع به نظر آید. در اغلب موارد تطهیر پول در کنار منافع فراوان حاصل از جنایت سازمان یافته وجود دارد؛ مثل قاچاق دارو، قاچاق تسلیحات و جرایم یقه سفیدها.

کمک کند که منافع حاصل را حفظ یا کنترل کند؛ به نحوی که او را قادر سازد آن منافع را به نفع خود سرمایه گذاری نماید. منظور از مورد دوم، استفاده یا تصرف اموالی است که شخص می داند منافع حاصل از قاچاق دارو (مخدر) یا رفتار مجرمانه دیگری است که حداقل از ارزش واقعی کم تر تحصیل شده یا دلایل کافی وجود دارد که چنین سوء ظنی پیدا کند. اختفا در مورد سوم، عبارت است از همراه کردن یا از بین بردن یا انتقال منافع حاصل از قاچاق دارو یا رفتار مجرمانه دیگر به منظور رهایی شخصی از تعقیب یا کمک به او برای گریختن از چنگال عدالت. این جرم، زمانی محقق می شود که شخص کمک کننده از ماهیت اموال اطلاع داشته یا دلایل کافی وجود داشته است که به آن سوء ظن پیدا کند.^(۱۴)

مورد چهارم فقط به قاچاق دارو (مخدر) و تروریسم مربوط می شود و به عواید و منافع حاصل از جرم به طور کلی ارتباط ندارد. این جرم زمانی واقع می شود که شخصی در جریان عملیات تجاری، شغلی یا استخدامی خود از وجود جرم اطلاع حاصل کند و به پلیس یا مأمور گمرک اطلاع ندهد.

منظور از اطلاع رسانی نهانی نیز این است که فرد مطلعی، اطلاعات یا هر امر دیگری را که می تواند به جریان کشف، تعقیب و رسیدگی خلل وارد کند، به اطلاع مظنون برساند. این امر زمانی پیش می آید که کسی آگاه یا ظنن شده و رسیدگی پلیسی در مورد تطهیر پول آغاز شده و یا در شرف آغاز شدن است و با اطلاع رسانی مخفیانه به مظنون جلوی کشف جرم را می گیرد و یا در روند آن اختلال ایجاد می کند.



در تعریف تطهیر منافع حاصل از جنایت جرم انگاری تبدیل یا انتقال اموال با علم به این که چنین اموالی منافع حاصل از جنایت است به منظور افتفا یا گمراه نمودن منشأ غیر قانونی اموال یا کمک به کسی که مرتکب جرم مقدم می شود، برای زدودن آثار حقوقی اقدام مرتکب و افتفا یا گمراه نمودن ماهیت واقعی منبع مکان انتقال حرکت یا مالکیت اموال یا حقوق مربوط به آن به عنوان تعهدی مطلق پیش بینی شده و هر دولت متعاهدی مکلف به جرم انگاری این اعمال است.

ج) مراحل

برای تطهیر عواید ناشی از جرم سه مرحله متمایز از هم یعنی «استقرار»، «استتار» و «ادغام» طی می شود.

۱- استقرار

چون جرایم مقدم بر تطهیر، عمدتاً جرایمی است که پول نقد فراوانی از فعالیت های نامشروع عاید مرتکبان می کند، در این مرحله وجوه حاصل شده وارد سیستم مالی یا اقتصاد خرد می شود و یا به خارج از کشور انتقال می یابد تا در دسترس نباشد و امکان کشف از بین رود و سپس در فرصت های بعدی آن ها را به اموال دیگری مثل چک های مسافرتی، حوالجات و غیره تبدیل می کنند.^(۱۵) هم چنین ممکن است این وجوه به اشیای گران قیمت مثل آثار هنری، هواپیما و فلزات و سنگ های قدیمی تبدیل شده سپس مجدداً فروخته شود.

۲- استتار

در این مرحله کوشش می شود با ایجاد پوشش های پیچیده با معاملات مالی منبع واقعی تملک اموال مخفی گردد یا وارونه جلوه گر شود. هدف از استتار آن است که پول های غیر قانونی ناشی از ارتکاب جنایت با معاملات مالی پیچیده از منشأ اصلی خود جدا شود. این روند غالباً با نقل و انتقال فرامرزی با وسایل الکتریکی صورت می گیرد با توجه به این که در جهان ۵۰۰/۰۰۰ خط سیم مبادلاتی وجود دارد که از طریق آن ها روزانه یک میلیارد دلار مبادلات الکترونیکی صورت می گیرد که بیشتر این مبادلات نیز مشروع است، ابعاد پیچیدگی کشف این جرم بیشتر روشن می شود. تطهیر کنندگان هم چنین به معاملات پیچیده سهام و دلالتی نیز مبادرت می ورزند.

موجود در «مامن های مالیاتی»^(۱۶) است.^(۱۷)

تحلیل

مفاد کنوانسیون ۲۰۰۰ پالرمو

الف) جرم انگاری

کنوانسیون در صدد ایجاد تعهدات انعطاف ناپذیر برای دولت های متعاهد نیست بلکه در صدد است دولت ها را ترغیب کند حقوق داخلی خود را تا جایی که با اصول حقوق ملی خویش منطبق بدانند با مندرجات کنوانسیون و در نتیجه با حقوق داخلی سایر دولت ها منطبق نمایند. از این رو به جای تعریف عنوان مجرمانه که سایر دولت ها ملزم به پذیرش آن باشند تعریفی ارائه شده و دولت ها ملزم گردیده اند با وضع قوانین مقتضی عمل مزبور را در حقوق داخلی خود جرم انگاری کنند. ماده (۶) کنوانسیون با عنوان «جرم انگاری تطهیر منافع حاصل از جنایت» تطهیر پول را چنین تعریف کرده:

۱- هر دولت متعاهدی طبق اصول اساسی حقوق داخلی خودش چنین اقدامات قانون گذاری و سایر اقداماتی را که برای جرم جنایی^(۱۸) تلقی کردن این اعمال لازم باشد، اتخاذ خواهد کرد زمانی که اعمال زیر به طور عمدی ارتکاب یابد:

(I) (a) تبدیل یا انتقال اموال با علم به این که چنین اموالی منافع حاصل از جنایت است به منظور اختفا یا گمراه نمودن منشأ غیر قانونی اموال یا کمک به کسی که مرتکب جرم مقدم می شود به منظور زدودن آثار حقوقی اقدام وی.

(II) اختفا یا گمراه نمودن ماهیت واقعی، منبع، مکان، انتقال، حرکت یا مالکیت اموال یا حقوق مربوط به آن با علم به این که

۳- ادغام

در این مرحله پول وارد سیستم اقتصادی و مالی مشروع می گردد و مشابه تمام اموال دیگر است و تشخیص آن از اموال مشروع غیر ممکن می گردد. وارد شدن پول پاک شده به سیستم اقتصادی توسط تطهیر کننده همراه با شگردهایی است که وانمود می کند مال به طریق مشروع تحصیل شده است و مانورهای؛ از جمله:

الف) ایجاد شرکت های بی نام یا با نام مستعار در کشورهایی که حق حفظ اسرار (حق خلوت) تضمین گردیده است. مجرمان سپس با انجام معاملات قانونی از محل وجوه تطهیر شده به خودشان وام می دهند و حتی در بازپرداخت وام ادعای معافیت مالیاتی می کنند.

ب) ارسال صورت حساب های غیر واقعی صادرات و واردات کالاهایی که افزایش قیمت زیادی دارد، به تطهیر کنندگان اجازه می دهد که پول را از شرکتی به شرکت دیگر و از کشوری به کشور دیگر انتقال دهند و صورت حساب ها منشأ پول را قانونی جلوه می دهد.

ج) یک روش ساده تر ارسال پول از بانک متعلق به خود تطهیر کنندگان به بانک های

چنین اموالی منافع حاصل از جنایت است.
(b) طبق مفاهیم اساسی سیستم حقوقی هر کشوری:

(I) تحصیل، تصرف یا استفاده از اموال با علم به این که در زمان دریافت چنین اموالی، منافع حاصل از جرم است.
(II) شرکت در ارتکاب یا همکاری یا تبانی در ارتکاب یا شروع به ارتکاب و کمک معاونت تسهیل و مشاوره دادن به ارتکاب هر گونه جرایمی که طبق این ماده جرم تلقی می شود.

۲- به منظور اعمال یا اجرای بند "۱" این ماده:

(a) هر دولت متعهده سعی خواهد کرد بند ۱ این ماده را به گسترده ترین نحو ممکن درباره جرایم مقدم اجرا کند.
(b) هر دولت متعهده تمام جرایم مندرج در ماده (۲) این کنوانسیون و جنایاتی را که طبق مواد (۸)، (۵) و (۲۳) این کنوانسیون ایجاد شده است به عنوان جرایم مقدم در قانون داخلی خود وارد خواهد کرد. درباره دولت های متعهده که قانونشان فهرستی از جرایم مقدم ویژه را بر شمرده است حداقل در چنین لیستی، فهرست جامعی از جرایم مرتبط با گروه های جنایت کارانه سازمان یافته وارد خواهد نمود.

(c) طبق بند (b) جرایم مقدم شامل جرایمی خواهد بود که هم در داخل و هم در خارج از صلاحیت دولت متعهد مورد بحث ارتکاب می یابد؛ با این وجود جرایم ارتكابی در خارج از صلاحیت یک دولت متعهد فقط زمانی جرایم مقدم محسوب خواهد شد که رفتار مربوطه طبق حقوق داخلی دولتی که در سرزمین آن، جرم ارتکاب یافته یک جرم جنایی باشد و اگر

آن جرم در داخل سرزمین دولت متعهد اجرا یا اعمال کننده این ماده، ارتکاب یافته باشد؛ طبق حقوق داخلی آن دولت یک جرم جنایی باشد.

(d) هر دولت متعهده کپی قوانین خودش را که در اجرای این ماده تصویب شده و تغییرات بعدی چنین قوانین یا تفاسیر مربوط به آن را به دبیر کل ملل متحد تسلیم خواهد کرد.

(e) اگر اصول اساسی حقوق داخلی دولت متعهده اقتضا کند مقرر می شود که جرایم مذکور در بند "۱" این ماده درباره اشخاصی که مرتکب جرم مقدم شده اند، اجرا نشود.

(f) علم، قصد یا هدف که به عنوان عنصر یک جرم مندرج در بند "۱" این ماده بیان شده است از شرایط و اوضاع و احوال عینی موضوعی قابل استنباط خواهد بود.

نخست باید مفهوم جرم مقدم^(۱۱) یا جرم اصلی - که در این ماده بسیار به کار رفته - روشن شود. در بند (b) ماده (۲) کنوانسیون، این اصطلاح چنین تعریف شده است: «جرم مقدم، به معنای هر جرمی خواهد بود که در نتیجه ی ارتکاب آن، منفعی حاصل شده است که می تواند طبق تعریف مندرج در ماده (۶) این کنوانسیون خودش یک جرم تلقی شود.»
به عبارت دیگر جرم تطهیر اموال مبتنی

جرم تطهیر اموال مبتنی بر ارتکاب جرمی مستقل است که سپس عواید و منافع ناشی از آن جرم تطهیر می گردد. جرم ارتكابی اول که عواید حاصل از آن تطهیر می گردد، جرم مقدم نامیده می شود. در لایحه پول شویی از عبارت جرم منشأ استفاده شده است.

بر ارتکاب جرمی مستقل است که سپس عواید و منافع ناشی از آن جرم تطهیر می گردد. جرم ارتكابی اول که عواید حاصل از آن تطهیر می گردد، جرم مقدم نامیده می شود. در لایحه پول شویی از عبارت جرم منشأ استفاده شده است.^(۱۰) همان طور که از مطالعه کارهای مقدماتی تدوین کنوانسیون به خوبی روشن می گردد مقصود از اصطلاحات اختفا یا گمراه نمودن اقداماتی است که برای پیشگیری از افشای منشأ غیر قانونی اموال صورت می گیرد.^(۱۱)

محتوای این ماده در جایی که عنوان جنایی را تعریف می کند به دو دسته قابل تقسیم است:

الف) تعهداتی که به طور مطلق بر دولت های متعهد بار می شود؛

ب) تعهداتی که دولت ها بر اساس اصول و مفاهیم اساسی حقوق داخلی خود ملزم به اجرای آن هستند.

در تعریف تطهیر منافع حاصل از جنایت جرم انگاری تبدیل یا انتقال اموال با علم به این که چنین اموالی منافع حاصل از جنایت است به منظور اختفا یا گمراه نمودن منشأ غیر قانونی اموال یا کمک به کسی که مرتکب جرم مقدم می شود، برای زدودن آثار حقوقی اقدام مرتکب و اختفا یا گمراه نمودن ماهیت واقعی منبع مکان انتقال حرکت یا مالکیت اموال یا حقوق مربوط به آن به عنوان تعهدی مطلق پیش بینی شده و هر دولت متعهده مکلف به جرم انگاری این اعمال است.^(۱۲) لیکن تحصیل تصرف یا استفاده از اموال با علم به این که چنین اموالی منافع حاصل از جرم است، مشروط به سازگاری این موارد با حقوق داخلی شده است. در اولین پاراگراف

بند "۲" ماده مذکور، دولت‌ها متعهد شده‌اند تلاش کنند تا بیشترین حد ممکن مفاد بند "۱" را درباره جرایم مقدم اجرا کنند. اگر چه از سیاق جمله کاملاً روشن است که اجرای این ماده جنبه اختیاری دارد نه اجباری لیکن برای این که دولت‌هایی که اجرای این ماده را با حقوق داخلی خود ناسازگار می‌بینند هیچ گونه نگرانی در این زمینه نداشته باشند، در بند (e) پیش بینی شده است که اگر اصول اساسی حقوق داخلی کشوری اقتضا نماید ممکن است مقرر شود جرایم مندرج در بند "۱" این ماده درباره اشخاص مرتکب جرم مقدم اجرا نشود. در بند (b) این ماده مقرر شده دولت‌های متعاقد جرایم مندرج در مواد (۵) و (۸) و (۲۳) این کنوانسیون را به عنوان جرایم مقدم در حقوق داخلی خود وارد کنند. ماده (۵) ناظر به مشارکت در گروه سازمان یافته جنایتکارانه و ماده (۸) ناظر به فساد مالی یا ارتشاست.

تردید نیست که در هر دو عنوان مذکور منافع مادی قابل تحصیل است. گروه سازمان یافته به منظور تحصیل منفعت مادی یا مالی تشکیل می‌شود و مشارکت در آن به منظور تحصیل منفعت صورت می‌گیرد و مسلماً برای جلوگیری از کشف جرم منافع حاصل شده باید تطهیر شود. در جنایت فساد مالی (ارتشا) نیز ضمن این که مرتشی منافع نامشروعی به دست می‌آورد از اعمال وی معمولاً منافع کلانی عاید رایشی و گروه متبوع وی می‌شود؛ لذا باید تطهیر شود.

ماده (۲۳) که به جرم انگاری ممانعت در اجرای عدالت اختصاص یافته، شامل مواردی می‌شود که با اعمال تهدید و فشار یا پیشنهاد یا اعطای منفعتی در اقامه شهادت یا ادله در خصوص جرایم مشمول کنوانسیون مداخله می‌شود یا با تهدید و اعمال فشاری که بر خود مأموران اجرایی و

قضایی صورت می‌گیرد، راه عدالت و دادگستری به انحراف کشیده می‌شود. دولت‌های متعاقد ملزم شده‌اند که این عنوان جزایی را به عنوان جرم مقدم در حقوق داخلی خود وارد کنند. در این باره هم به نظر می‌رسد مثل ارتشا مقصود اصلی منافعی باشد که در اثر انحراف مسیر عدالت برای جنایتکاران حاصل می‌گردد. در بند (c) ۲ با در نظر گرفتن بعد فراملی جنایات سازمان یافته، تصریح شده است که جرایم مقدم هم شامل جرایم ارتكابی در حوزه صلاحیت کشوری می‌شود که به جنایت تطهیر عواید حاصل شده رسیدگی می‌کند و هم شامل جرایم ارتكابی در خارج از حوزه صلاحیت آن کشور می‌شود؛ مشروط بر این که جرم مقدم در حوزه کشور محل ارتكاب جرم نیز یک جرم جنایی باشد.

امروزه تطهیر منافع حاصل از جنایت توسط گروه‌های سازمان یافته جنایتکار، غالباً در کشورهای دیگر صورت می‌گیرد لذا ضرورت دارد که به مسأله مبالغ نامشروع وارد شده به کشور توجه شود والا اگر قرار باشد هر کشوری فقط به جرایم

مقدم در سرزمین خود توجه و رسیدگی کند، مجرمان از خلأ موجود نهایت سو استفاده را کرده، عواید نامشروع حاصل شده در هر کشوری را به راحتی در کشور دیگر تطهیر می‌کنند.^(۲۳)

در بند (d) ۲ این ماده پیش بینی شده است هر یک از دولت‌های متعاقد تصویر قوانینی را که در اجرای این ماده تصویب کرده‌اند برای دبیر کل ملل متحد ارسال نمایند. در واقع نوعی سیستم گزارش دهی در این بند پیش بینی شده است تا دولت‌ها را ملزم به اجرای این ماده کند. می‌دانیم که در غیاب یک ضمانت اجرای قهری برای اعمال و اجرای تعهدات بین المللی یکی از بهترین شیوه‌ها برای ملزم نمودن دولت‌ها به انجام تعهدات خویش سیستم گزارش دهی است.^(۲۴)

بالاخره در بند (f) ۲ ماده (۶) مقرر گردیده علم به قصد یا هدفی که به عنوان یکی از عناصر یک عنصر جرم طبق بند "۱" این ماده لازم دانسته شده، ممکن است از اوضاع و احوال موضوعی عینی استنباط شود. در این عنوان جنایی سوء نیت شخص مفروض تلقی شده است؛

یعنی در صورت ارتکاب فعل مجرمانه و با توجه به اوضاع و احوال عینی و موضوعی، مقام تعقیب ملزم به اقامه دلیل جهت اثبات سونیت مرتکب نیست. در لایحه پول شویی چنین قاعده ای پیش بینی نشده؛ لذا احراز و اثبات سوء نیت با توجه به پیچیدگی مراحل و شیوه تطهیر پول بسیار مشکل خواهد بود.

ب) پیشگیری

پیشگیری از تطهیر پول یعنی از بین بردن زمینه های ورود عواید نامشروع ناشی از ارتکاب جنایات سازمان یافته که به نوبه خود می تواند پیشگیری از ارتکاب سایر جنایات سازمان یافته نیز تلقی شود؛ زیرا اگر زمینه تطهیر از بین برود جنایتکاران سازمان یافته با فرض موفقیت در ارتکاب جرم اصلی و اولیه نخواهند توانست از مزایا و فواید مادی جنایات ارتکابی بهره برند که خود این عامل نیز موجب گرایش کمتر افراد بالقوه مستعد به سوی ارتکاب جنایات، سازمان یافته می گردد.

بخش جزئی و خرده عواید و منافع حاصل از جنایات ارتکابی، ممکن است در داد و ستدهای روزمره و برای رفع ضروریات زندگی صرف شود که مقابله با آن چه از حیث پیشگیری و چه از نظر شناسایی و مبارزه امری دشوار با نتایج اندک است ولی بخش عمده عواید حاصل شده به خاطر حجم بسیار زیاد این عواید باید از طریق بانک ها و سایر مؤسسات مالی وارد سیستم اقتصادی شود؛ خواه به منظور نگهداری یا به منظور انتقال به ورای مرزهای کشور مربوط. بنابراین اگر جنایتکاران سازمان یافته خطری از جهت امکان شناسایی و



اگر زمینه تطهیر از بین برود جنایتکاران

سازمان یافته با فرض موفقیت در

ارتکاب جرم اصلی و اولیه نخواهند

توانست از مزایا و فواید مادی جنایات

ارتکابی بهره برند که خود این عامل نیز

موجب گرایش کمتر افراد بالقوه

مستعد به سوی ارتکاب جنایات،

سازمان یافته می گردد.

کشف جنایات ارتکابی در مؤسسات مالی داشته باشند گرایش کمتری به تطهیر پول از این طریق - که بهترین و رایج ترین شیوه است - خواهند داشت. همکاری بانک ها و مؤسسات مالی در این راستا می تواند مؤثرترین شیوه محسوب گردد و این همکاری عمدتاً به دو شکل امکان پذیر است؛ نخست این که بانک ها و مؤسسات مالی هنگام افتتاح حساب و ارائه خدمات به مشتریان خود هویت کامل و دقیق آنان را احراز نمایند با این امر افراد سابقه دار و فعالیت های آن ها قابل شناسایی خواهد بود و در آینده نیز اگر مسئولان تعقیب و کشف جرم نیاز به هویت افراد و فعالیت های آنان داشته باشند، مشخصات این افراد در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

همکاری دیگری که بانک ها و مؤسسات مالی می توانند در این زمینه داشته باشند جنبه ابتکاری و تا حدی پلیسی دارد؛ یعنی آنان مراقب رفتارها مرادوات و عملیات مشکوک باشند و اگر به شخصی مظنون شدند این امر را برای بررسی و رسیدگی به مراجع ذیصلاح اعلام کنند.^(۲۵)

همان طور که در توصیه نامه های «فاتف» به شرح مذکور، آمده است باید تضمین های کافی برای این نهادها و بانک ها و کارکنان آنان ایجاد شود تا در

صورت عدم اثبات موارد گزارش، مسئولیت قانونی برای آنان ایجاد نشود. برای کاهش این مشکل بهتر است گزارش های مزبور محرمانه بماند و مقامات ذیصلاح فقط به عنوان سرنخی از آن استفاده کنند و در صورت عدم اثبات، این گزارش ها به طور کلی مکتوم بماند. به علاوه به نظر می رسد افشای این گزارش ها می تواند عواقب غیر قانونی انتقام جویانه گروه های جنایتکار را در بر داشته باشد؛ به همین دلیل علاوه بر ضرورت عدم افشای گزارش ها در این زمینه نیز حمایت های قانونی برای کارکنان بانک ها و مؤسسات ملی ضروری می نماید.

به هر حال همکاری های مزبور بانک ها و مؤسسات مالی با یک قاعده شناخته شده بانکی یعنی قاعده «حفظ اسرار بانکی»^(۲۶) که خود موجب اعتماد و جلب مشتریان می گردد، تعارض پیدا می کند.

در کنوانسیون دولت های متعاقد ملزم به ایجاد نظارت منظم بر فعالیت بانک ها و سایر نهادهای مالی که احتمال تطهیر پول از طریق آن ها می رود، شده اند تا جلوی تطهیر گرفته شود یا حداقل ارتکاب این عمل مجرمانه کشف شود. این نهادها ملزم به احراز هویت نگهداری سوابق و گزارش موارد مشکوک هستند. هم چنین تعیین مراجع و مقام هایی برای مبادله اطلاعات و همکاری با سایر دولت ها پیش بینی شده است.

ج) کشف جرم

در باره کشف جرم و نهایتاً مبارزه با آن همیشه این نکته باید ملحوظ گردد که برخورد با مجرمان نباید سبب محدود شدن آزادی های مشروع افراد غیر مجرم

گردد و مبارزه با جرایم اقتصادی و مالی نباید موجب تهدید و تحدید فعالیت‌های اقتصادی مشروع گردد. جرم به خاطر اخلال در نظم جامعه و جرایم اقتصادی به خاطر اخلال در سیستم اقتصادی جامعه ضدازش شناخته شده است و ضرورت برخورد قانونی را می‌طلبد.

اگر مبارزه با این جرایم خود موجب اختلال در نظام اقتصادی شود، نقض غرض خواهد شد و چنین مبارزه‌ای هم چون خود جرم برای جامعه زیانبار خواهد بود. از این رو در کنوانسیون ضمن این که دولت‌ها به اجرای اقدام‌های ممکن برای کشف و نظارت بر حرکت و جوه نقد و اسناد قابل انتقال مقتضی از مرزهای خود ترغیب شده‌اند، ملزم گشته‌اند که در جریان و انتقال سرمایه‌های مشروع هیچ‌گونه مانعی ایجاد نگردد.

در خصوص کشف جرم تطهیر پول و تسهیل اثبات آن تدابیری اندیشیده شده که به سه دسته قابل تقسیم است:

- ۱- ایجاد واحد اطلاعات ملی؛
- ۲- ضرورت همکاری بانک‌ها یا عدم رعایت قاعده حفظ اسرار بانکی؛
- ۳- تسهیل اثبات تطهیر پول؛

د) ضمانت اجرا

۱- مجازات

به عنوان یک قاعده کلی در کنوانسیون پالرمو میزان مجازات جرایم ارتكابی پیش بینی نشده و تعیین نوع و میزان مجازات‌ها به دولت‌ها واگذار گردیده است. اصل تناسب میان جرایم و مجازات‌ها که از دیر باز مورد توجه متفکران بوده از نظر تدوین کنندگان کنوانسیون نیز دور نمانده است «بکار یا» در این زمینه معتقد است: «جرم هر قدر زیان بیشتری به جامعه وارد آورد، باید به ندرت اتفاق افتد. بنابراین موانعی که مردمان را از ارتکاب جرم باز می‌دارد باید به همان اندازه که این جرایم مغایر با منفعت عموم است و شدیدتر به آن آسیب

می‌رساند، قوی باشد. از این رو باید میان جرایم و مجازات‌ها تناسبی برقرار باشد.»^(۳۷)

در این زمینه دولت‌ها ملزم گردیده‌اند که در اعمال مجازات‌ها و ضمانت‌اجراهای مربوط در خصوص جرایم مشمول این کنوانسیون شدت این جرایم را در نظر بگیرند.^(۳۸) البته در نظر گرفتن شدت جرایم مشمول کنوانسیون الزاماً به مفهوم اعمال مجازات‌های شدید و خشن نیست؛ بلکه همان‌طور که در کنوانسیون نیز بلافاصله اشاره شده هدف این است که این مجازات‌ها تا بیشترین حد ممکن مؤثر بودن اجرای قانون را تضمین کنند.^(۳۹)

هم چنین دولت‌ها ملزم گردیده‌اند در صورت اعمال و اعطای تسهیلاتی هم چون آزادی مشروط شدت این جرایم را در نظر بگیرند.^(۴۰)

با توجه به این که آزادی مشروط از موارد بارز فردی کردن مجازات‌هاست و با توجه به رفتار و سازگاری مرتکب اعطای شود، به هر حال تدوین کنندگان کنوانسیون نخواسته‌اند مرتکبان جنایات سازمان یافته را به طور کلی از آن محروم کنند؛ زیرا امروزه هدف اصلاحی مجازات‌ها و بازگرداندن مجرمان به جامعه در اولویت است. با این حال کنوانسیون تأکید کرده که در اعطای امتیازاتی هم چون آزادی مشروط دقت بیشتری مبذول گردد.

البته مصادره اموال تطهیر شده یا در شرف تطهیر اهمیت شایانی دارد؛ لذا مقررات ویژه‌ای در این خصوص در کنوانسیون پیش بینی شده است.

۲- مصادره

ضبط و مصادره اموال ناشی از جرم که مالک مشخصی نداشته باشد و هم چنین ضبط اموال مورد استفاده در ارتکاب جرم به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای مؤثر تلقی می‌شود، چون ضمن مجازات

جنایتکاران منبع مالی خوبی برای مبارزه با جنایات دیده تدارک می‌شود.

امروزه در سطح بین‌المللی تحولی در سیاست جنایی روی داده است؛ از جمله این که در تدابیر مبارزه با جنایات سازمان یافته، دایره مشمول مصادره اموال گسترش یافته و شامل ضبط اموال سازمان‌های جنایی نیز می‌شود.

بدیهی است این ابتکار جدید - که مفهوم سنتی مصادره را در گون نموده و آن را گسترش داده - از ایرادات و انتقادات حقوق دانانی که طرفدار مفهوم سنتی و کلاسیک مصادره هستند، مصون نمانده؛ چون مفهوم کلاسیک مصادره مبتنی بر افکار آزادی خواهانه است.^(۴۱)

برخی از نویسندگان نسبت به مصادره توسعه یافته انتقاد کرده‌اند؛ به ویژه از نظر مغایرت چنین مصادره‌ای با اصل برائت که به نفع متهم است و نیز مغایرت با اصل مصونیت حقوق اموال. با این وجود چنین ایراداتی اقتضات سیاست جنایی جدید را که حقوق کیفری جدید به آن نیاز دارد، به مخاطره می‌اندازد.^(۴۲)

اشکال جدید مصادره باید به عنوان یک تدبیر پیشگیرانه عمومی تلقی شود نه به عنوان یک تدبیر پیشگیرانه شخصی یا مجازات شخصی در مفهوم سنتی. آن به عبارت دیگر هر چند این اقدام‌ها به اموال شخص منفردی مربوط می‌شود لیکن هدف اولیه قانون گذاری مجازات شخص مرتکب به خاطر تحصیل اموال مورد بحث نیست. هدف واقعی ماهیتاً یک هدف سیستماتیک است و مقصود مورد هدف قرارداددن پایگاه اقتصادی جنایات سازمان یافته است؛ چون اهداف سیاست جنایی محدود کردن توسعه بیشتر چنین آسیب اجتماعی جدید و هم چنین پیشگیری از آلودگی اقتصاد مشروع در نتیجه تطهیر پول‌های کثیف است.^(۴۳)

پی‌نوشت‌ها در آرشینو موجود می‌باشد.